

تاریخچه تأسیس نخستین مدارس نوین در کرمانشاه (۱۲۷۸-۱۲۸۵ش)

محمدعلی علوی کیا*

کارشناس ارشد تاریخ

تاریخ دریافت: (۹۶/۰۸/۰۸) تاریخ پذیرش: (۹۶/۱۱/۱۴)

The History of The First Modern Schools in Kermanshah (1899-1906)

Mohammadali Alavikia

MA graduate student of History

Received: (2017/10/30)

Accepted: (2018/02/03)

Abstract

The study of Kermanshah's first modern schools foundation can be an introduction to the process of the modern cultural evolutions and modern civil institutes and also it can be an entrance to the history of the west of country's cultural evolutions.

The establishment of the modern schools in kermanshah in Mozafaredin Shah period (1899-1906) is the topic of this article

This article analyzes the foundation of the first scholar units using documented evidence, and books with descriptive-analytical approach which exists in the cultural history of the western Iran and it also tries to clarify the structural obstacles existing in the modern scholar units

In this period, despite its special importance in the history of the culture and modern schools of Kermanshah, due to the lack of historical and statistical evidence, destruction of documents and information, lack of statistical questioners, and poor local historiography thoughts, historical documents were either destroyed in the storm of historical events or they are too little to present an exact judgment on its quality.

Key words: Modern schools, Kermanshah, Mohtashamie school, Eslamie school, Elmie Eslamie school.

چکیده

بررسی تاریخچه مدارس نوین کرمانشاه را می‌توان مقدمه‌ای بر سیر تحولات فرهنگ نوین و مؤسسات جدید تمدنی و مدخلی بر تاریخ تحولات فرهنگی غرب کشور دانست.

تأسیس مدارس نوین کرمانشاه در عصر مظفرالدین شاه (۱۲۷۸-۱۲۸۵ش) موضوع بررسی این مقاله است. این پژوهش، با تکیه بر کتب و مدارک موجود در تاریخ فرهنگی منطقه غرب ایران، با رویکرد توصیفی، چگونگی تأسیس نخستین واحدهای آموزشی به سبک نوین در کرمانشاه را بررسی قرار می‌کند و می‌کوشد موانع ساختاری در تحکیم نهادهای نوین آموزشی را نشان دهد.

این دوره، به رغم اهمیت ویژه آن، در تاریخ فرهنگ و مدارس نوین کرمانشاه، به واسطه فقدان منابع تاریخی و آماری، نابودی اوراق و برگه‌های شناسایی، نبود پرسش‌نامه‌های آماری و نیز فقر اندیشه تاریخننگاری محلی؛ اسناد و مدارک آن در طوفان وقایع و حوادث تاریخی یا به طور کلی از بین رفته است یا چندان اندک است که به دشواری می‌توان قضاوتی دقیق از کم و کیف آن ارایه داد.

کلیدواژه‌ها: مدارس نوین، کرمانشاه، مدرسه محتشمیه، مدرسه اسلامی، مدرسه علمیه اسلامی.

۱. مقدمه

مسئله تأسیس مدارس جدید به مثابه مقدمه‌ای بر تاریخ فرهنگی کرمانشاه در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم از موضوعات مهم و پرتنش تاریخ معاصر کرمانشاه و مدخلی بر تاریخ مؤسسات مدنی جدید است.

با پیدایش نخستین کانون‌های روشنفکری، اندیشه قانون‌خواهی در کرمانشاه رواج یافت و گروهی از تحصیل‌کردگان محلی در اندیشه تأسیس مدارس جدید برآمدند. کرمانشاه با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی، ارتباط تجاری با بین‌النهرین و شرکت‌های روس و انگلیس، استعداد آن را داشت که پذیرای نهادها و مؤسسات جدید تمدنی باشد.

این پژوهش، با استناد به اسناد و مدارک موجود، می‌کوشد به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

آغازگران و پایه‌گذاران جنبش نوسازی آموزشی در کرمانشاه چه کسانی بودند و چه رویکرد و اهدافی داشتند؟

موانع و مشکلات فرهنگی و اجتماعی توسعه و تداوم مدارس جدید در کرمانشاه چه بود؟

۲. فرضیه اصلی پژوهش

تأسیس مدارس نوین برای روشنفکران کرمانشاهی به‌مثابه مدخلی بر تحول سازمان اداری و مقدمه‌ای برای آماده‌سازی جامعه برای پذیرش تغییرات اجتماعی گسترده‌تر در آستانه جنبش مشروطه بود.

نویسنده برای بررسی این موضوع از روش توصیفی و تحلیل داده‌های تاریخی استفاده کرده، هرچند که فقر اسناد و مدارک تاریخی دامنه آن را محدود نموده است.

داده‌های تاریخی پژوهش با استناد به منابع

کتابخانه‌ای، اسناد تاریخی و مصاحبه فراهم شده است.

۳. پیشینه تاریخی پژوهش

موضوع تأسیس مدارس نوین در کرمانشاه چندان مورد توجه پژوهشگران تاریخی قرار نگرفته است. کتاب *تاریخ آموزش پرورش نوین کرمانشاه* تنها اثر پژوهشی مستقل در این باره است. بخش قاجار این کتاب نگاهی گذرا و اجمالی به رویدادهای فرهنگی این دوره دارد. سالنامه معارف کرمانشاه (۱۳۰۵ش) مفصل‌ترین گزارش تاریخی و مستندترین روایت دست اول از این رویداد است، بی‌آنکه نویسنده به تجزیه تحلیل وقایع بپردازد. مقدمه دیوان عبدالکریم غیرت و حواشی اشعار وی ارجاعات تاریخی مفیدی دارد. جز این منابع دیگر چون سفرنامه‌ها، خاطرات رجال و تذکره احوال شعرا اطلاعات پراکنده‌ای ارائه می‌دهند.

۴. نگاهی به آموزش سنتی و مکتب خانه‌ای در**کرمانشاه**

شیوه آموزش قدیم در کرمانشاه - چونان سایر ایالات در دو سطح ابتدایی در قالب آموزش مکتب خانه‌ای و سطحی بالاتر در اندام مدارس علوم دینی صورت می‌گرفت. این آموزش‌ها پیوسته و دنباله آموزش سنتی رایج حوزه‌های دینی بود. به همین لحاظ غالب مکتب خانه‌ها در مساجد فعالیت می‌کردند.

مساجدی که در این ایام کانون آموشد طلاب علوم دینی بود عبارت بودند از مسجد شیخ عبدالرحیم، مسجد عمادالدوله، مسجد حاج شهباز خان، مسجد نواب و مسجد دولتشاهی (سلطانی،

(۱۳۰۵: ۴).

دانش آموخته‌های مدارس جدید سال‌ها پیش از این در کرمانشاه آغاز شده بود. شاید گزارش آقا احمد کرمانشاهی در نوع خود از نخستین آگاهی‌های ما درباره مراکز فرهنگی و آموزش مغرب زمین در ایران باشد. او در کلکته مدارس و مراکز آموزشی جدید که توسط انگلیسی‌ها تأسیس شده بود را دیده و در گزارش سفر خود جزئیات جالبی از آن را بیان می‌نماید؛ مانند حقوق ثابت مدرسین، آموزش رایگان برای فقرا، کتب آموزشی سهل و آسان و مصور، آموزش دانش‌ها و حرفه‌های نو، زبان‌های مختلف و... «از الفبا گرفته تا به مراتب عالی را تمام به وضع مرغوب و به نوعی که سهل و آسان به دست آید در کتب نوشتند.» او رابطه آموزش نوین با معیشت و کسب و کار را می‌نمایاند. «کتب و رسایل چند در بیان جزئی و کلی امور معیشت از طریقه زن و شوهری و طباحی و نجاری و جراحی و بنایی و نقاشی و جهاز(کشتی) رانی و حکومت و تجارت و غیره آنها نوشته اند» و نقش موثر تصویرسازی در ارائه و درک بهتر متون آموزشی را مطرح می‌سازد. «در هر باب که قاعده بیان می‌کنند تصویر آن را نیز به آن نهج که نوشته اند نقش می‌نمایند که مطالعه کننده را حاجت به تعلیم و تربیت کمتر شود.» و می‌نمایاند که موفقیت‌های آموزشی تنها شرط پیشرفت اداری است (حائری، ۱۳۶۷: ۳۰۲).

زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی: یکی از عوامل موثر در تحولات اجتماعی اقتصادی کرمانشاه در قرن نوزدهم شاهراه تجاری بغداد - کرمانشاه بود. این خط تجاری از بغداد که از مراکز مهم تجارت اروپا با شرق بود به کرمانشاه و پس از آن به همدان که

مونیکا رینگر سه ویژگی مهم مدارس نوین که آن را از مکتب خانه‌های سنتی متمایز می‌ساخت عبارت می‌داند از:

«نخست اینکه بسیاری از این مدرس شیوه نوین آموزشی مبتنی بر آموزش فونتیک الفبا را به کار می‌بردند. این شیوه برخلاف شیوه مکتب خانه‌ها که محصلین آن قادر بودند تنها متون مشخصی را که طوطی‌وار حفظ کرده بودند بخوانند، در افزایش توانایی خواندن دانش آموزان بسیار مفید بود.

دوم، ساختار رسمی مدارس نوین با سازمان غیررسمی مکتب خانه‌های سنتی تفاوت داشت. پیش شرط‌های ورود، برنامه آموزشی، تقسیم‌بندی دانش آموزان به کلاس‌ها و ارتقا به کلاس بالاتر براساس موفقیت در گذراندن دروس و دیپلم فارغ‌التحصیلی، در تضاد مستقیم با نظام مدارس سنتی بود که در آن گذار به مراحل بالاتر وابسته به یادگیری متون پراکنده بود.

سوم، مدارس نوین، رشته‌های درسی جدیدی مانند علوم، تاریخ، جغرافیا و زبان‌های اروپایی را که در مکتب خانه‌های سنتی اساساً اثری از آنان نبود وارد برنامه آموزشی کردند. برنامه تحصیلی این مدارس ترکیبی بود از مواد آموزشی مدارس سبک اروپایی و دروس اصلی مانند شرعیات، عربی و زبان فارسی که در مدارس سنتی تدریس می‌شدند.» (رینگر، ۱۳۷۹: ۸۱-۸۲)

۵. زمینه‌های شکل‌گیری مدارس نوین در کرمانشاه
زمینه‌های فرهنگی: زمینه آشنایی با تمدن و مؤسسات جدید اروپا در نزد نخبگان فرهنگی و

آشکار شد. ورود دانش آموختگان و دیپلمه‌های مدارس جدید به سازمان‌های اداری و اجتماعی شهر و فعالیت مبلغان و مسیونرهای مسیحی فضای عمومی شهر را آماده پذیرش تحولات جدید نمود. طلوعه این حرکت با تأسیس مدارس مسیونری و آلیانس آغاز شده بود، اما این حرکت غیر بومی و محدود به اقلیت‌های دینی و خارجی بود (نک. ناطق، ۱۳۸۰: ۱۶۱).

حضور فعال چهره‌های فرهنگی و پیشگامان جنبش تأسیس مدارس جدید به سبک اروپا در صف مقدم مشروطه خواهان کرمانشاهی بیانگر درک درست آنان از پیوستگی آموزش و رهایی سیاسی بود (نک. معتمدی و ساری اصلان، ۱۳۸۵: ۱۴۹).

۶. پیدایش جنبش روشنفکری در کرمانشاه و نقد سیستم آموزش قدیم

نخستین هسته‌های جنبش روشنفکری در میانه عصر ناصری در کرمانشاه پیدا شد. با پیدایش محافل روشنفکری چون جامعه آدمیت (۱۳۲۵ق) و انجمن حقوق (شاخه کرمانشاه) نشانه‌های تغییر در فرهنگ عمومی ظاهر شد. اندیشه و آرمان‌های جنبش روشنفکری توسط گروهی از فرهیختگان محلی آموزش داده می‌شد. تأسیس مدرسه به سبک جدید با الگوی رشدیه از نخستین مطالبات فرهنگی آنان بود (سلطانی، ۱۳۷۸: ۵۲).

جنبش روشنفکران محلی با نقد این سیستم پا به عرصه حیات مدنی گذاشتند؛ آنان وارث و متاثر از سنت روشنفکری عصر ناصری و آموزه‌هایی بودند که از طریق روزنامه‌های قانون و حبل‌المتین به محافل و جمع آنان آورده و گروه‌خوانی می‌شد.

ابوالقاسم لاهوتی، شاعر و منتقد سیاسی

انبار مهم کالاهای روسیه محسوب می‌شد گسترش می‌یافت. تجار و بازرگانان کرمانشاهی مردان روشن بین، آگاه و از پیشگامان جنبش اصلاح و نوسازی سازمان اداری و تمدنی بودند. اینان در لابه‌لای محموله‌های تجاری خود کتب و نشریات آزادیخواهی را نیز وارد و به محافل سری روشنفکران محلی می‌رساندند. محمدسعید غیرت شاعر آزادیخواه کرمانشاهی در مقدمه دیوان اشعار خود، به نحوه ارسال و توزیع روزنامه‌های عصر بیداری اشاره می‌نماید. « محمدطاهر تاجر کرمانشاهی مردی صاحب ذوق و اهل مطالعه بود. روزنامه حبل‌المتین کلکته و بعضی جراید و کتب خارجی دیگر را در لای عدل مقال و مال التجاره وارد و انتشار می‌داد» (غیرت، ۱۳۳۸: ۵۷).

حکومت عمادالدوله که شاهزاده‌ای اصلاح طلب بود نیز در پیدایش تشکل‌های سیاسی نوگرا و جنبش نو سازی ساختار سیاسی - اداری موثر بود. فرزند وی محتشم‌الدوله از حامیان جدی تأسیس مدارس نوین در کرمانشاه بود.

در واقع ترور ناصرالدین شاه در سال ۱۲۷۵ش / ۱۸۹۶م و نشستن مظفرالدین‌شاه بر تخت سلطنت انگیزه بزرگی برای اصلاح آموزشی در ایران ایجاد کرد. «مظفرالدین‌شاه به اندازه پدرش بر دستگاه اداری جدید کنترل نداشت و بر خلاف پدرش در آغاز پذیرای اصلاح آموزش بود. او وقتی که نایب السلطنه و حکمران آذر بایجان بود از مدارس جدید رشدیه حمایت می‌کرد» (رینگر، ۱۳۸۱: ۱۷۸).

با رشد اندیشه تجدیدخواهی و جنبش مشروطه در ایران عصر مظفیری که با گسترش نهضت ترجمه و انتشار روزنامه توأمان بود، اندیشه و آرمان‌های جنبش بیداری و اصلاحات اجتماعی در کرمانشاه نیز

در راه مدرسه زسروجان مکن دریغ
بس سودهاست برسر خسران مدرسه
این مدرسه چوجسم وروانش معارف است
از من بود فدای آنچه بود جان مدرسه
خود را زچاکران در مدرسه شمار
وانگه ببین شرافت دربان مدرسه
غیرت به طوع بندگیش را کند قبول
آن راکه گشت بنده فرمان مدرسه

(غیرت. ۱۳۳۸: ۲۱۸)

۷. پیشگامان و بنیانگذاران مدارس جدید در کرمانشاه

پیشگامان و بنیانگذاران مدارس جدید در کرمانشاه گروهی از روشنفکران محلی بودند؛ برخی از اینان چون خاندان میر عبدالباقی پیشه بازرگانی داشته، به تجارت مشغول و به بین النهرین رفت و آمد می کردند. برخی دیگر مانند میرزا حسینعلی خان مهندس گوران دانش آموخته مدارس نوین چون دارالفنون بودند. تنی چند از روحانیون تجدد خواه محلی مانند محمد تقی شیرازی، عبدالحسین قوام العلماء، سید حسین کزازی نیز با این جنبش همراهی می کردند.

با همت روشنفکران محلی ایده مدارس جدید با کارکرد ساده آموزی، کار آمدی و دنیاگرایی پا به عرصه حیات عمومی گذاشت

میرزا حسینعلی خان مهندس گوران و شیخ محمد سعید عرب پیشگامان و بانیان نخستین مدارس به سبک جدید در کرمانشاه بودند. حسینعلی خان گوران دانش آموخته مدرسه دارالفنون و محمدسعید دیپلمه مدارس خارجی بود. از توفیقات این دو جلب

کرمانشاهی، در خاطره‌ای به نقش روزنامه قانون بر تفکرات روشنفکران کرمانشاهی اشاره دارد. «همه شماره‌های قانون ملکم مرتبا و به طور مخفی برای پدرم می‌رسید. هر شماره‌ای که می‌رسید در نیمه دوم شب می‌خواندیم و بعد از چند روزمخفیانه آمده و آن را می‌بردند من هنوز نمی‌دانم آورنده و پس گیرنده آنها که بود، شاید پدرم از جای مخصوص آنها را می‌گرفت.» (لاهورتی. ۱۳۵۸: ۷۵-۷۴)

سید محمد طاهر هاشمی روحانی برجسته اهل سنت در خاطرات خود بسته‌های روزنامه حبل المتین، اختر، رعد و شفق سرخ را که از کرمانشاه برای پدرش که در منطقه دولت آباد روانسر زندگی می‌کرد، آورده می‌شد را به یاد دارد (سلطانی، ۱۳۷۸: ۴۴).

روشنگران محلی اینک با نقد روش قدیم و آموزش مکتب خانه ای، آن را نا کار آمد در آموزش علوم و مهارت‌های جدید زندگی، نارسا درافزایش سطح سواد عمومی و نماد جامعه روبه زوال قاجار معرفی می‌کردند و سیستم نوین آموزشی را که به همت و پایمردی کسانی چون رشیدیه جان گرفته بود، مدل مطلوب و الگوی قابل اجرا می‌دانستند.

عبدالکریم غیرت کرمانشاهی، در شعری با عنوان مدرسه، به ستایش این بنیان نو می‌پرازد و تصورات و ایده‌آل‌های خود و دیگر روشنفکران تجددطلب شهر را از تأسیس آن با لحن رمانتیک بیان می‌کند.

یا رب که زند باد نگهبان مدرسه

پاینده باد پایه وبنیان مدرسه

چون خضر زندگی یافت آنکه خورد

یک قطره از چشمه حیوان مدرسه

پیر ادب زجان شدش کمترین غلام

طفلی که خورد شیر ز پستان مدرسه

نخستین مدرسه به سبک جدید در کرمانشاه را تأسیس نمود. این مدرسه در منطقه چنانی و محله شترگلو قرار داشت. اگرچه مهندسی گوران نام «مدرسه مبارکه ملت» را برای این نهاد نوپیاذ مناسب می‌دانست اما به احترام محتشم‌الدوله و به امید تداوم حمایت‌های وی در مقابله با تهدیدها و تعرضات مخالفان معارف جدید بر آن نام **محتشمیه** نهاد و تابلو آن را بر دیوار مدرسه نصب کرد (هندسی، ۱۳۸۴: مصاحبه).

کلاس‌های مدرسه با پاره‌ای از معیارهای فیزیکی مدارس جدید همخوانی داشت؛ دارای میز و نیمکت و تخته سیاه بود و دانش‌آموزان لباس متحدالشکل داشتند. برنامه درسی هفتگی و آموزش الفبا در آن بر اساس الگوی مدارس رشدیبه سهل‌التعلیم بود.

«آموزگاران محتشمیه روشنفکران و تحصیلکردگان محلی بودند. میرزا مهدی خان صدیق دفتر معلم تاریخ و جغرافیا. صباح کازرونی زبان فارسی. میرزا آقا مهدوی، شرعیات و قرآن. مترجم السلطان (از صاحب‌منصبان گمرک) زبان فرانسه. سلطان شاپورخان، مشق نظامی و میرزا حسینعلی خان آموزش حساب و هندسه و نقاشی را بر عهده داشت. کتب درسی برگرفته و منتخبی از متون قدیم مانند قرآن و شرعیات زبان فارسی (گلستان سعدی) تعلیم خط. حساب و هندسه بود. شاید بتوان مهمترین نوآوری آن را شیوه ساده آموزش الفبا و مشق نظامی دانست.» (علوی‌کیا؛ رستمی گوران، ۱۳۸۴: ۱۸؛ هندسی، ۱۳۸۴: مصاحبه).

در راپورت عبدالحسین‌خان سلطانی رئیس معارف کرمانشاه که به سال ۱۳۰۵ش و با کمک اهل فرهنگ و بزرگان محلی تهیه شده و قدیمی‌ترین گزارش از تأسیس مدرسه محتشمیه آمده است «در

حمایت شاهزاده جلال‌الدین میرزا محتشم‌الدوله فرزند عمادالدوله شاهزاده قاجاری از تأسیس مدارس نوین در کرمانشاه بود. او نیز مانند پدرش در زمره معدود شاهزادگانی بود که اندیشه اصلاح را همراهی می‌کرد. رینگر می‌نویسد:

«افراد اصلاح‌اندیش برای نخستین بار در نوامبر ۱۸۹۷م/آبان ۱۲۷۶ش در خلوت گرد هم آمدند تا در مورد طرح‌های پیشبرد آموزش جدید به بحث بپردازند، هفت شخصیت برجسته از جمله شاهزاده عمادالدوله در این زمره قرار می‌گیرند.» (رینگر، ۱۳۸۱: ۱۷۹).

۸. تأسیس مدرسه محتشمیه (۱۲۷۸-۱۲۸۰ش)

مدرسه محتشمیه در سال ۱۲۷۸ش توسط میرزا حسینعلی‌خان مهندس گوران تأسیس شد. این مهندس جوان کرمانشاهی از کوشندگان جنبش نوسازی و تأسیس مدارس نوین بود. او دیپلمه دارالفنون، صاحب‌منصب گمرک، به لحاظ اقتصادی متمول و از حمایت ایل قدرتمند گوران برخوردار بود.

مهندس گوران ابتدا به‌طور خصوصی در منزل خویش کلاس درسی ترتیب داد، تعدادی از نوجوانان فامیل و دوستان را فراهم آورد و به آموزش آنان پرداخت. پس از ۴ ماه تعداد محصلان کلاس رو به افزایش نهاد و به حدود ۱۵۰ تن رسید. در این ایام شاهزاده جلال‌الدین میرزا محتشم‌الدوله حکومت کرمانشاهان داشت، او از معدود شاهزاده‌های قاجار بود که از اندیشه تحول و ایده تأسیس مدارس جدید جانبداری و حمایت می‌کرد میرزا حسینعلی‌خان مهندس با اتکا به حمایت وی در فضای پیوسته به ساختمان منزل و باغ خویش،

و بزرگان محلی و اولیاء دانش آموزان امتحان به عمل می‌آمد و به دانش آموزان مستعد اجازه تحصیل (تصدیق نامه) در کلاس بالاتر اعطا می‌شد.

مدرسه محتشمیه عمری کوتاه داشت؛ کمتر از سه سال. دانش‌آموزان حتی فرصت نیافتند تحصیلات ابتدایی خود را به پایان برسانند و سرانجام در اسفند ۱۲۸۰ش در زمان حکمرانی فرمانفرما در کرمانشاه تعطیل شد.

۹. مدرسه اسلامیہ (۱۲۷۸-۱۲۸۰ش)

اندکی پس از تأسیس مدرسه محتشمیه، نهاد آموزشی نو پای دیگری به کوشش شیخ محمد سعیدعرب، یک یهودی نو مسلمان که ریشه و تباری محلی نداشت، در سال ۱۲۷۸ش تأسیس شد. او دانش آموخته مدارس بغداد بود و زبان فرانسه را نیک می‌دانست. شیخ در آغاز مجلس درس را در منزل شخصی خود بر قرار ساخت و جمعی از فرزندان اعیان و اشراف محلی را گرد آورد و با حمایت میرزا اسماعیل خان معاضدالملک، فرزند ارشد نصیر الاطباء جدیدالاسلام و کارگزار مهم خارجه مدرسه اسلامیہ را تأسیس نمود (سلطانی، ۱۳۰۵: ۶).

اگرچه نومسلمانان یهودی در کرمانشاه جمعی اندک بودند اما مردمانی جهان‌دیده و به دانش‌های روز آشنا و با شاهزادگان و اعیان شهر معاشرت داشتند. آنان برای اثبات خویش و فعالیت در حیطه آموزش و تعلیم و تربیت مشکلاتی داشتند. تردید نسبت به مؤسسات جدید فرهنگی که الگوی خود را از غرب مسیحی گرفته بود فراوان بود، ویژه آنکه جمعی از یهودیان

سال بعد از افتتاح مدرسه، مرحوم علاء الدوله حکمران کرمانشاهان شدند. او از طرز تدریس و وضع مدرسه بسیار خوشوقت بودند و توجه خاصی به آن داشت.

در این ایام مدیران مدارس جدید می‌کوشیدند توانایی دانش‌آموزان مدارس جدید را به نمایش بگذارند و تفاوت‌ها و تمایزات آن نسبت به نظام مکتب خانه‌ای را آشکار سازند، به ویژه ضرورت همسو بودن تعلیم و تربیت با منافع ملی و دفاع از مرزهای کشور. بدین منظور مدیر مدرسه «شاکردان را به لباس پیاده نظام ملبس نموده و تفنگهای ورنلد کوتاه از ذخیره داده و مدیر مدرسه موافق رگلمان نظام اطیش مشق تفنگ و حرکات پیاده نظام به محصلین تعلیم می‌داد» این مراسم هر از گاهی در میدان توپخانه و یا در محلی خارج از شهر تعلیم داده می‌شود و مردم به دیدن آن دعوت می‌شدند (سلطانی، ۱۳۰۵: ۶).

براساس روایت سردار مقتدر سنجابی که روزگار حکومت علاءالدوله و نمایش مشق نظامی دانش‌آموزان را دیده بود، ترکیب و میانه سن آنان ۱۵ سال و عمدتاً فرزندان شاهزادگان و اعیان محلی بودند (سنجابی، ۱۳۸۰: ۱۳۹).

امتحانات در دارالحکومه برگزار می‌شد؛ معمولاً علاءالدوله بر نحوه برگزاری آن نظارت می‌کرد. آموزگاران موفق و دانش‌آموزان مستعد را به تشویق می‌نواخت و بخشی از هزینه‌های مدرسه را متقبل می‌شد. چنان‌که در راپورت ۱۳۰۵ آمده است:

«مبلغ دویست تومان حق‌التولیه سالانه خودشان از محل (موقوفات) مسجد عمادالدوله به مدرسه اختصاص داده بود» (سلطانی، ۱۳۰۵: ۶).

در پایان هر دوره تحصیلی در حضور آموزگاران

نومسلمان نیز در رأس آن قرار داشتند. ۱۹۰۶-۱۹۰۷م به کرمانشاه سفر کرده در کتاب خاطرات سفرش به نام «ایران امروز» شرحی از دانش آموزان، آموزش زبان فرانسه و تأثیرات شیخ محمد سعید مؤسس مدرسه در میان اطفال خاندان‌های حکومتگر و اعیان شهر نگاشته است.

«من شب را در خانه شاهزاده‌ای که مقیم این شهر است به همراه عده زیادی از عموزادگانش که از فرزندان عمادالدوله بودند گذراندم. این جوانان در پست و تلگراف خدمت می‌کنند. اصولاً این اداره در همه جا پرورشگاه شاهزادگان است. اغلب آنان فرانسه می‌دانستند و این زبان را از شیخ محمد سعید یک یهودی بغدادی یاد گرفته اند که به اسلام گرویده و به تازگی برای آنکه به همدان مستقر شود مدرسه خود را در کرمانشاه تعطیل کرده است» (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۶۴).

دوران فعالیت شیخ محمد سعید در معارف کرمانشاه کوتاه اما پر بار بود. او توانست نهاد نوپای مدرسه را در کرمانشاه تحکیم بخشد. آموزش زبان فرانسه را متداول و با شور و حرارت ویژه خود محیط بسته فرهنگ کرمانشاه را مستعد و پذیرای مفاهیم جنبش بیداری عصر مشروطه سازد.

حیات آموزشی مدرسه اسلامی کوتاه بود و در عهد حکمرانی فرمانفرما خاموش شد. براساس راپورت سلطانی در اوایل ورود شاهزاده فرمانفرما مدرسه اسلامی تعطیل شد. این گزارش اختلافات بین شیخ محمد سعید و شیخ محمدتقی را علت اختلال و تعطیل مدرسه می‌داند اما درباره چرایی و چگونگی آن اطلاعی به ما نمی‌دهد. شاید تلقی این دو از اهداف و برنامه‌های آموزشی متفاوت بود، گو اینکه شیخ محمدتقی مدرس علوم دینی و روحانی سنت‌گرا بود و بر بومی و دینی‌سازی آموزش جدید

نومسلمان نیز در رأس آن قرار داشتند. شیخ محمدسعید نام اسلامی را بر مدرسه نهاد. او کوشید شیخ محمدتقی شیرازی یکی از روحانیون خوشنام و مدرس علوم دینی مسجد عمادالدوله را به عنوان مشاور و معلم مدرسه با خود همراه سازد. این اقدام دوراندیشانه تاحدی توانست از دامنه خصومت‌ها بکاهد. مواد درسی مدرسه اسلامی نیز فارسی، عربی، شرعیات، فرانسه و حساب بود.

فعالیت مدرسه اسلامی مقارن ایامی بود که فریدالملک همدانی به عنوان کارگزار مهم خارج در کرمانشاه به خدمت مشغول بود. او در کتاب خاطرات خود شرح مشاهداتش از نحوه برگزاری امتحانات مدرسه اسلامی که به تاریخ یکشنبه ۱۵ جمادی‌الاولی سال ۱۳۲۵ق انجام شده بود آورده است.

بر اساس گزارش فرید می‌توان دریافت که مدیر ابتدا دعوتنامه‌ای برای حاکم شهر، صاحب‌منصبان و مقامات محلی ارسال می‌نمود و بر حضور آنان در جلسه امتحانات برای تقویت و تشویق دانش آموزان تاکید می‌کرد، پس از آن که شاگردان مدرسه برای امتحانات حاضر می‌شدند. ابتدا امتحانات شفاهی برگزار می‌شود، دانش آموزان متونی از گلستان سعدی را قرائت می‌کردند و «سپس فرانسه خوان‌ها را حضرت والا امتحان فرمودند» در پی آن امتحان کتبی برگزار می‌شد فرید می‌گوید:

«امتحان فرانسه را خوب دادند ولی ترتیب امتحان خوب نبود. چون اول امتحان دادن شاگردان مدرسه بود خیلی نواقص داشت. اگر پایدار بماند و مراقبت شود به تدریج درست خواهد شد.» (فریدالملک، ۱۳۵۴: ۲۱۱).

اوژن اوبن سفیر فرانسه در ایران که به سال‌های

تنظیم و به وزارت معارف ارسال می نمود» (سلطانی، ۱۳۰۵: ۱۲) قدیمی ترین سند در تاریخ معارف کرمانشاه برگه های احصاییه ای است که در سال ۱۳۳۲ق تنظیم و به وزارت معارف ارسال شده است. شاید بتوان با تامل در آن چارچوب و مراتب آموزشی مدرسه را در یافت.

مدرسه چهار کلاسه و در محلی استیجاری واقع در محله سرتپه قرار داشت. مواد درسی آن عبارت بود از فارسی، عربی، حساب، هندسه، زبان فرانسه و خوشنویسی. شیخ محمدتقی مدیر و مؤسس مدرسه معلم کلاس چهارم نیز بود و علوم عربیه، فقه و اصول حکمت الهی؟ تدریس می نمود. مدرسه مقروض بود زیرا مداخل آن ۳۰۰ قران و مخارج آن ۶۰۰ قران بود (سند: ۱۳۳۲ق).

مدرسه علمیه اسلامی به مدیریت شیخ محمدتقی شیرازی در دوره ای طوفانی به مدت ۱۸ سال (۱۲۸۰-۱۲۹۸ش) چراغ تعلیم تربیت را روشن و تابلو مدرسه را برپا نگهداشت. می توان علت دوام و بقای مدرسه علمیه اسلامی در این دوره را، منش و مقام مذهبی و جایگاه شیخ محمد تقی دانست؛ زیرا «مرتجعین به واسطه شیخوخیت و معلومات، مرحوم شیخ محمد تقی شیرازی را محترم می شمردند و آزادیخواهان به سبب علاقه به نام مدرسه، آن را نگهداری می نمودند» (سلطانی، ۱۳۰۵: ۷).

۱۱. موانع و مشکلات رشد و توسعه مدارس نوین در کرمانشاه

موانع اجتماعی: بافت اصلی شهر کرمانشاه در این روزگاران تابع نیروهای ایلی و جمعیت عمده ای از آن وابسته به مجموعه ای از ایلات کرد مانند کلهر،

توجه ویژه داشت. او در پی این اختلافات از مدرسه اسلامی خارج گردید. محمدسعید عرب نیز از این محیط دل بر کند و به شهر همدان کوچ نمود

در ایام حکومت فرمان فرما مدارس نوین به احتضار افتادند. از سه نهاد آموزشی جدید دو مدرسه تعطیل و تخریب شد. ایرج هندسی فرزند ارشد مهندس گوران پایه گذار مدرسه محتشمیه بر نقش ستیزه گرایانه فرمان فرما با نهاد مدرسه که نماد تغییرات بود، تأکید می نماید، منابع تاریخ محلی نیز این مدعا را تأیید می کنند. «فارغ از اندیشه اصلاحات بود و حوزه حکومت خود را مانند دارایی شخصی اداره می کرد، از بند و بست های مرکزی و دسته بندی و تحریکات محلی به خوبی آگاه بود و می دانست چگونه آن را خنثی کند و یا به سود خود از آن استفاده برد.» (سنجابی، ۱۳۸۰: ۱۴۹).

دوره اول حکومت فرمان فرما در کرمانشاه از ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۴ق ادامه داشت. او در این مدت قدم موثری در راه اصلاحات برداشت و کوچک ترین اثر یا بنیاد خیری از خود به یادگار نگذاشت.

۱۰. مدرسه علمیه اسلامی (۱۲۸۰-۱۲۹۸ش)

مدسه علمیه اسلامی را شیخ محمد تقی شیرازی در سال ۱۲۸۰ش پایه گذاری کرد. او دانش آموخته علوم حوزوی و دارای تحصیلات در زمینه فقه و اصول حکمت الهی بود. شیخ، مدرس علوم دینی مدرسه سنتی عمادالدوله، دارای جایگاه و شان دینی و نزد مردم محترم بود.

لازم به ذکر است کرمانشاه «تا سال ۱۳۳۰ق/۱۲۹۰ش نماینده معارف نداشته و آقای میرزا احمد جواهری براساس علاقه به فرهنگ و معارف شهر گاهی گزارشاتی از اوضاع معارف شهر

اعتدالی از آن جمله بود. حوادثی که مجال رشد و توسعه به نهادهای آموزشی نمی‌داد و اندک نیروهای فعال سیاسی اجتماعی و روشنفکران معارف خواه را از حوزه فرهنگ عمومی غافل و به عرصه پرتلاطم و آشوب سیاست و منازعات حزبی کشانده و سیاست زدگی را روح حاکم بر زمانه کرده بود.

فریدالملک همدانی به پاره‌ای از آنها اشاره دارد. «شاگردان مدرسه کرمانشاه هم آمدند. خطبه سرودند و دعا و پابندگی مجلس شورای ملی کردند. زنده باد اعلا حضرت پادشاه ایران فرمودند و رفتند. این اوقات همه جای این ولایت مغشوش و نا امن است؛ حتی در میدان شهر آدم لخت می‌کنند (فریدالملک، ۱۳۵۴: ۳۳۲).

دشمنی سنت‌گرایان: اما مدارس جدید دشمنان و معارضان دیگری نیز داشت. این نهاد نوپا با واکنش منفی روحانیون سنت‌گرا مواجه بود. آنان در آغاز با اتکاء به روش موعظه و هشدار، خانواده‌های مذهبی را مخاطب خود قرار دادند و از آنان خواستند که کودکان خود را به مدرسه که «کانون فساد و عامل بی‌دینی» بود نفرستند (غیرت، ۱۳۳۸: ۲۱۸).

با توسعه مدارس جدید و اقبال نوآموزان شیوه و نحوه مقابله آنان نیز تغییر یافت زیرا «مدارس نوین به عنوان عرضه‌کننده آموزش اولیه، عملاً نقش سنتی علما در شکل دادن، تعریف کردن و انتقال ارزش‌های اخلاقی را به چالش کشیده بودند. مدارس همراه با ترویج ایده‌ی شهروندی به روند عرفی شدن اخلاق نیز کمک می‌کرد» (رینگر، ۱۳۷۹: ۸۴).

سنت‌گرایان محلی به تهدیدهایی لفظی بسنده نکردند و درصدد تنبیه و آزار نوآموزان نیز برآمدند. در سالنامه اداره معارف کرمانشاهان (۱۳۰۵ش) در

گوران، سنجابی، زنگنه و کلیایی بود. می‌توان در این فضا غلبه ذهنیت ایلپاتی که در پیوند با خاندان‌های حاکم قجری و نیروهای مذهبی سنت‌گرا انسجام یافته بود را حس کرد. این نیروها هرگونه تحول و جنبش اجتماعی که در تعارض با منزلت اجتماعی و منافع اقتصادی خود می‌دیدند را بر نمی‌تافتند؛ تنها تغییراتی اندک با مدیریت و هدایت خود را می‌توانستند بپذیرند، آنان انتقال و جابجایی قدرت و تنزل نقش رهبران سنتی را به مثابه زنگ خطر و مقدمه دگرگونی‌های گسترده دیگری می‌دانستند، که مهار دامنه آن در حیطة اقتدار آنان نبود، لذا با دگرگونی و نوسازی نهادهای فرهنگی و مدنی مخالفت می‌کردند

مشکلات مالی: مدارس جدید با مشکلات عدیده‌ای در داخل مواجه بود «قلت عایدات»، «فقدان وسایل تعلیم» و «نبود کادر آموزشی مجرب» از آن جمله بود. در برگه احصاییه مدارس کرمانشاه (۱۳۳۲ق) که توسط مدیر مدرسه اسلامی تنظیم شده است به مسئله قلت عایدات مدرسه اشاره رفته است. در این ایام مدرسه ۴ کلاسه بود و مدیر مدرسه برای تحدید مخارج علاوه بر مدیریت، تدریس کلاس‌های ۴ و ۵ را نیز بر عهده داشت. در این سال مدرسه ۳۰۰ قران مداخل داشت «سواى کرایه خانه و حقوق مدیر با مشق احوال از این مدرسه نگهداری و نگذاشته فتوری در تعلیمات آن حاصل شود» (اسناد ملی ایران. سند به شماره ردیف ۲۹۷۲۶۸۴۱).

بحران‌های سیاسی: این دوران مقارن وقایع و حوادث مهمی بود که جامعه ایران و در پی آن کرمانشاه را دستخوش بحران و تغییرات عمده‌ای نموده بود. انقلاب مشروطه، جنگ بین الملل اول، فتنه سالارالدوله و منازعات حزب دموکرات و

مدارس جدید نمادی از تجددطلبی و نوگرایی بود، بی آنکه رسالت نوسازی آن درک شده باشد. مدرسه نماد زمانه نو و عصرجدید و نشانه زوال دنیای قدیم بود. هر چند که خود بهراستی آمیخته‌ای شگفت از کهنه و نو بود. آموزگاران آن خود تربیت یافته مدارس قدیمه وغالبا از ملایان وروحانیون محلی بودند و از دانش جدید جز مختصر چیزی نمی‌دانستند. بهدرستی معلوم نیست که شیوه آموزش آنان چگونه بود و درک آنان از فرهنگ نوین چه بود؟

اما می‌توان ادعا کرد که همگی زوال سیستم قدیم و مزایای روش جدید را درک کرده بودند. آموزش آنان نسل دانش آموخته را تربیت کرد که پشتوانه نوسازی اجتماعی و فرهنگی در کرمانشاه طی سال‌های بعد شد. کریم سنجابی حقوقدان و فعال سیاسی و از رهبران جبهه ملی ایران از نخستین فارغ‌التحصیلان این مدارس بود. آموزش آگاهی بخش آنان مفاهیم جنبش بیداری و قانون خواهی را قابل فهم می‌نمود. دانش آموزان این مدارس سربازان جبهه مبارزه علیه خودکامگی سیاسی و تحجر مذهبی می‌شدند.

تاسیس مدارس نوین پایه و آغاز شکل‌گیری مؤسسات جدید تمدنی در کرمانشاه شد و دانش‌آموختگان آن بهتدریج ساختار اداری و آموزشی شهر را به دست گرفتند. کراهت آموزش دانش‌هایی جدید و زبان‌های خارجی ریخته شد. آموزش مجانی که شامل اندکی از دانش آموزان بی‌بضاعت می‌شد، انحصار آموزش ویژه اغنیا را شکست؛ آنان می‌توانستند مفهوم برابری آموزشی را حس نمایند و در فضایی مشترک با فرزندان اعیان شهری و اشراف حاکم توانایی و استعداد خود را به

این باره آمده «کسانی که از جهالت مردم استفاده کرده و مدت‌ها آنان را آلت اغراض شخصی قرار داده بودند، انتشار علم و معرفت را مضر به حال خود دانسته از اطلاعات و آگاهی عامه اظهار تنفر کرده برای حفظ منافع شخصی به تک و دو افتاده، مردم را به کلمات بی‌اصل واهی فریب داده و حتی تا این آواخر با تمام قوا با معارف مخالفت می‌کردند (سلطانی، ۱۳۰۵: ۱۱).

۱۱. نتیجه‌گیری

جنبش تجددخواهی ونوسازی سبک زندگی در ایران عصر ناصری آغاز وبه تدریج به میلی فراگیر در ساحت زندگی اجتماعی ایرانیان بدل گشت. اگر چه این جنبش در آغاز رنگ وبوی نظامی با موضوع "اصلاح قشون" داشت اما اندکی بعد گستره آن به موضوع آموزش اطفال، آن‌گونه که فرنگیان پیشه گرفته و در بلاد غرب شیوه متداول بود کشیده شد گروه اندک تحصیل‌کردگان و روشنفکران محلی آغازگران جنبش نوسازی مدارس بودند. برخی از اینان پیشه بازرگانی وتجارت داشته و به بین‌النهرین رفت وآمد می‌کردند و برخی دیگر دانش آموخته مدارس چون دارالفنون و با ادبیات و جنبش روشنگری آشنا بودند. اینان برپایی تابلو مدرسه و انتشار روزنامه را گام نخست و طلیعه آگاهی سیاسی اجتماعی می‌دانستند.

الگوی آموزش نوین و مدرسه به‌مثابه کلیدواژه پیشرفت و رمز برون رفت از عقب ماندگی و جهل فراگیر تلقی می‌شد. آنان جهل و بیسوادی را مادر و منشا استبداد سیاسی و انحطاط اجتماعی می‌پنداشتند.

نمایش بگذارند. ناطق، هما (۱۳۸۱). کارنامه فرهنگی فرنگ. تهران: البرز.

هندسی، ایرج (۱۳۸۴). مصاحبه.

منابع

اوین، اوژن (۱۳۶۲). *ایران امروز*. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: زوار.

حائری، عبدالهادی (۱۳۳۷). *نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب*. تهران: امیرکبیر.

رینگر، ام. مونیکا (۱۳۷۹). *مدارس نوین در ایران قرن نوزدهم*. *ایران نامه*. سال ۱۸. شماره ۷۰.

_____ (۱۳۸۱). *آموزش دین و گفت‌وگو اصلاح فرهنگی در دوران قاجار*. ترجمه مهدی حقیقت‌خواه. تهران: ققنوس.

سازمان اسناد ملی ایران: برگه‌های احصائیه مدارس ایران. کرمانشاه، (۱۳۳۲ق)

سلطانی، عبدالحسین‌خان (۱۳۰۵). *سالنامه معارف کرمانشاهان*. کرمانشاه: مطبعه سعادت.

سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۸). *احزاب سیاسی و انجمن‌های سری در کرمانشاه*. تهران: سها.

سنجابی، علی‌اکبرخان سردارمقتدر (۱۳۸۰). *ایل سنجابی و مجاهدت ملی ایران*. تحریر و تحشیه کریم سنجابی. تهران: شیرازه.

فریدالملک همدانی (۱۳۵۳). *خاطرات فرید*. گردآوری مسعود فرید. تهران: زوار.

علوی‌کیا، محمدعلی؛ رستمی‌گوران، محسن (۱۳۸۴). *تاریخ آموزش و پرورش نوین کرمانشاه*. (۱۲۷۸-۱۳۳۲ش). کرمانشاه: طاق‌بستان.

غیرت کرمانشاهی، عبدالکریم (۱۳۳۸). *کلیات آثار سید عبدالکریم غیرت*. به‌کوشش محمدسعید غیرت. تهران: چاپخانه فردوسی.

لاهوئی، ابوالقاسم (۱۳۵۸). *کلیات اشعار لاهوئی*. تهران: امیرکبیر.

معتمدی، فرج‌الله؛ ساری‌اصلان، امان‌الله (۱۳۸۵). *نهضت مشروطیت در کرمانشاه و کنگاور*. به‌کوشش محمدعلی سلطانی. تهران: سها.

